

تجربه مصرف سیگار در میان دختران دانشجوی
پژوهشی پدیدارشناختی در دانشگاه‌های شهر کرمان

زهیر مصطفی بلوردی،^۱ امید مهنی^۲

(تاریخ دریافت ۹۷/۰۲/۲۷، تاریخ پذیرش ۹۸/۰۳/۱۵)

چکیده

مقاله حاضر تجربه زیسته دختران دانشجویی را که روزانه سیگار مصرف می‌کنند با رویکردی پدیدارشناختی مطالعه کرده است. ابتدا، با طرح ملاحظات نظری و برساختن پرسش‌های اولیه، با روش نمونه‌گیری مبتنی بر هدف، و در نظر داشتن اشباع اطلاعاتی، مصاحبه‌های عمیق و نیمه‌ساختاریافته با ۲۱ نفر از دختران دانشجوی دانشگاه‌های شهر کرمان انجام شد. مقوله‌های اصلی تحقیق شامل عاملیت فردی، عملکرد مقابله‌ای، وقایع درهم‌شکننده مقاومت فردی و زیرمقوله‌ها دربرگیرنده مفاهیم خطرپذیری و هیجان‌خواهی، سازوکار تشخیص‌یابی، واکنش علیه نابرابری، نیاز به پذیرش، دیگری مهم، ناهم‌گونی تعاملات خانوادگی و فقدان تاب‌آوری، با استفاده از روش کلایزی تحلیل شده است. یافته‌ها نشان داد که مصرف سیگار، بیشتر واکنشی در برابر نابسامانی وضعیت است که از عوامل اجتماعی متعددی از قبیل هیجان‌خواهی، گرایش به تشخیص‌یابی، نابرابری، نیاز به پذیرش، ناهم‌گونی تعاملات خانواده و فقدان تاب‌آوری تأثیر می‌پذیرد.

واژگان کلیدی: عاملیت فردی، وقایع درهم‌شکننده مقاومت فردی، عملکردهای مقابله‌ای، شخصیت اجتماعی پیشرفته.

۱. دکترا گروه تربیت حرفه‌ای، دانشگاه فرهنگیان، کرمان، ایران (نویسنده مسئول)

mostafa.balvardi@gmail.com

o.mehni@hotmail.com

۲. دانشجو دکترا گروه مدیریت آموزشی، دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران

مقدمه

میزان شیوع مصرف سیگار هم در سطح کشور ما و هم در سطح جهان، به‌حدی نگران‌کننده است که به یکی از حوزه‌های مهم پژوهشی در حیطه اعتیاد تبدیل شده است. دختران نیز، به‌مثابه آسیب‌پذیرترین گروه اجتماعی، به دلایل متفاوت و متنوعی به مصرف سیگار روی آورده‌اند. گزارش‌های گوناگون دختران جوان سیگاری را ۱۰/۲ درصد در مقابل ۱/۲ درصد زنان بزرگ‌سال سیگاری برشمردند (سعیدی و همکاران، ۱۳۸۹: ۷۴) که از این تعداد، اغلب مصرف‌کنندگان را دختران دانشجو تشکیل می‌دهند (قاسمی‌روشن، ۱۳۸۲: ۲). دختران از حیث جایگاه عاطفی، اعتقادی و اجتماعی با هم‌گنان پسر خود تفاوت دارند و بی‌شک پیامد این تفاوت، انتظار مصرف پایین سیگار در میان دختران است. اما، با فراگیرشدن تغییر و تحولات ناشی از روند مدرنیته و جهانی‌شدن، تهدیدها در عرصه‌های مختلف اجتماعی و فرهنگی به‌گونه‌ای دیگر نمایان شده است؛ چراکه قرارگرفتن در تقابل دوگانه «سنت/تجدد» بر شدت تهدیدها و تعارض‌ها در روابط اجتماعی افزوده است. تزلزل ارزش‌ها و باورهای پیشین جامعه و شکل‌نگرفتن نظم و ارزش‌های جدید (منطقی، ۱۳۸۳) زمینه‌ساز ابهام درباره‌ی درستی یا نادرستی روابط اجتماعی در ذهن کنشگران جوان به‌خصوص دختران است. این ابهام پیش‌درآمد زیرسؤال‌رفتن ساختارهای سنتی و بنیان‌های هویتی است که بروز رفتارهای پرخطر یکی از پیامدهای آن است. افزایش سه‌برابری میل به مصرف سیگار در دختران دانشجو نسبت به پسران (ضیایی و همکاران، ۱۳۷۹؛ سراج‌زاده و فیضی، ۱۳۸۳؛ طارمیان، ۱۳۸۵؛ مقدم، ۱۳۸۷؛ ضیاءالدینی و همکاران، ۱۳۸۷؛ حاجی‌حسینی و همکاران، ۱۳۹۰)، از جابه‌جایی شیوع مصرف سیگار، یا به‌اصطلاح، تغییر روند مصرف از یک‌جنس به دو جنس حکایت دارد. این رخداد، اعلام خطری جدی برای بنیان خانواده و نسل آینده است که با توجه به افزایش مصرف سیگار درخور تأمل است (گریسباج و همکاران، ۲۰۰۳). در چنین اوضاعی است که زنگ خطر برای ظهور یکی دیگر از مسائل عمیق اجتماعی به صدا در می‌آید؛ چراکه مصرف سیگار دروازه ورود به رفتارهای پرخطر با وابستگی‌های پیش‌رونده خواهد بود (ابادینسکی، ۱۳۸۴: ۱۴).

تمام مطالعاتی که درباره‌ی معتادان به انواع مواد مخدر و رفتارهای پرخطر صورت گرفته، مبین آن است که این گروه‌ها در آغاز سیگاری بوده‌اند (کامنگا و همکاران، ۲۰۰۶؛ بیدرمان و همکاران، ۲۰۰۶). رجوع به مفهوم «تعادل خالص»^۱ رابرت مرتن، این نکته را به ذهن می‌آورد

1. Net Balance

که پیامد انحراف دختران کمتر از اعمال انحرافی پسران نخواهد بود.^۱ دختران در جایگاه کنشگران سازنده جامعه، عاملان پرورش و اجتماعی کردن نسل آینده و استحکام بخش بنیادی‌ترین نهاد اجتماعی‌اند که رفتارهای انحرافی آنان به تخریب منابع اجتماعی و بروز انواع کجروی‌های وابسته به آن می‌انجامد.

با توجه به نقش چندبعدی دختران در آینده جامعه، توجه به مسائل آنان تأثیر شگرفی در خانواده و بازتابی وسیع در سطح جامعه بر جای خواهد گذاشت. البته، تردیدی نیست که زنان، دختران نوجوان و جوان از سوی خانواده و نظام اجتماعی نادیده گرفته شده‌اند، اما این غفلت در بررسی‌های مرتبط با مواد مخدر و مصرف سیگار، که تاکنون طراحی و اجرا شده‌اند، به گونه‌ای دیگر نیز نمود داشته است. ساخت‌یابی چنین پژوهش‌هایی با غلبه دیدگاه‌های کاملاً مردانه همراه است. ریشه این مسئله در تصور اکثر افراد جامعه درباره مردانه قلمداد کردن مصرف سیگار نهفته است و به باور برخی دیگر، دلیل این پدیده را باید در الگوی پنهان مصرف سیگار دختران جوان (سعیدی و همکاران، ۱۳۸۹) پی‌گرفت. با این حال، به نظر می‌رسد فرمول‌بندی هرگونه رفتار پرخطر به‌منزله کنشی مردانه، چیزی از واقعیت مسئله برای ما بازگو نخواهد کرد و ما را در وضعیت امتناع از موضوع قرار خواهد داد. بررسی انبوه مطالعات تجربی، اکثر این نوشتارها را در قفسه پژوهش‌های مقطعی و کمی، و همان‌گونه که ذکر شد، متمرکز بر پسران و گاهی نیز دختران و پسران جای می‌دهد. چنین مطالعاتی، با توجه به تنوع و تفاوت هم‌بسته‌های مصرف سیگار دختران، و پیچیده و غامض بودن پدیده‌ها و مسائل مرتبط بدان، تا رسیدن به واکاوی مطلوب موضوع، راهی طولانی در پیش دارند. «از آنجاکه جامعه ایرانی بار منفی مصرف سیگار را برای دختران متفاوت با پسران و حامل بار معنایی اجتماعی و فرهنگی خاصی می‌داند، لذا مسائل آنها نیز باید مستقل از پسران مورد بررسی قرار گیرد» (صدیق سروستانی، ۱۳۷۹: ۹۸). اما، با توجه به اینکه هنوز الگویی طراحی نشده که ابعاد مختلف مصرف سیگار را در میان دختران دانشجوی تبیین کند و مطالعاتی نیز که تاکنون مبنای شناخت خود را این موضوع قرار داده‌اند، به بررسی شیوع (سراج‌زاده و فیضی، ۱۳۸۳؛ طارمیان، ۱۳۸۵؛ دیوسالار و نخعی، ۱۳۸۷، ضیاء‌الدینی و همکاران، ۱۳۸۷؛ جعفری و امین‌زاده، ۱۳۹۰)، نگرش (مهاجر، ۱۳۸۶) و عوامل اجتماعی (سعیدی و همکاران، ۱۳۸۹) پرداخته‌اند، واکاوی و شناسایی

۱. از منظر مرتنی، نمی‌توان کارکردهای مثبت و منفی را جمع و به طور عینی تعیین کرد که تأثیر کدام‌یک بیشتر است؛ زیرا فضای بحث پیچیده می‌شود. از همین رو، نمی‌توان در پرداخت به آسیب‌ها و علل و عوامل بروز آنها توجه ویژه را به مردان، یا مردان و زنان توأمان می‌دول داشت و درباره زنان مسامحه کرد.

علل مصرف سیگار توسط دختران دانشجو ضرورتی انکارناپذیر است. بر این بنیان، پرداختن به چرایی و علل مصرف سیگار، با در نظر داشتن منابع و پرداخت‌های نظری و پرسش از وضعیت این مسئله، و عوامل تشدیدکننده یا کاهنده آن، افق دیگری به روی ما خواهد گشود. کرمان به علت وجود واحدهای آموزش عالی و کثرت دانشجویان بومی و غیربومی انتخاب مناسبی برای نشان دادن بسیاری از تحولات مرتبط با موضوعی است که ما در پی آن هستیم. از سوی دیگر، پژوهش‌های تجربی نیز به بررسی این موضوع در شهر کرمان نپرداخته‌اند. امید است این مطالعه هم در جهت تقویت انسجام اجتماعی و هم در جهت پویایی جوانان این خطه ثمربخش باشد.

ملاحظات نظری

آرای نظری در زمینه بررسی کیفی مصرف سیگار دختران دانشجو را صرفاً می‌توان همچون کلیات تعیین‌کننده دورنمای پژوهش تصور کرد که در برانگیختن حساسیت نظری پژوهشگر کاربرد دارند. همین‌طور، از آنجاکه در روش پدیدارشناختی تکیه بر تجربه زیسته پرسش‌شوندگان و تلاش در جهت استخراج و تفسیر مضامین است، بهره‌گیری از آرای نظری به معنای پذیرش کامل آرا نیست و محقق می‌تواند از این متون فقط به منزله منبع احتمالی ایجاد سؤال استفاده کند.

دشواری یافتن نظریه‌ای کارآمد که در ساخت چارچوب مفهومی مصرف و سوءمصرف به کار آید بر همگان آشکار است. اغلب این چشم‌اندازها میان‌رشته‌ای ارائه شده‌اند. از این رو، امکان دسته‌بندی‌ای که محل وفاق همگان باشد وجود ندارد. ما با اندکی تسامح این نظریه‌ها را ذیل عنوان کلی «واکنش‌گرایی اجتماعی» ارائه می‌کنیم. مقصود آن است که مصرف در «واکنش» به عوامل فردی، ذهنی و محیطی روی می‌دهد. دسته‌ای از این نظریات در حوزه آسیب‌شناسی و انحرافات اجتماعی، مصرف را نوعی واکنش به عوامل محیطی و پیرامونی یا فشارهای خارج از فرد می‌دانند. از منظر ادوین سادلرند، رفتار مجرمانه از طریق تعامل با دیگران آموخته می‌شود (صدیق سروستانی، ۱۳۸۷: ۴۸). مقصود از آموختنی بودن رفتار مجرمانه آن نیست که ارتباط صرف با مجرمان منتهی به عمل مجرمانه می‌شود، بلکه محتوای الگوهای ارتباطی از یک فرد به فرد دیگر متفاوت است. این نظریه مبتنی بر چند عامل محیط اجتماعی، افراد پیرامونی و ارزش‌هایی است که افراد از «دیگران مهم»^۱ کسب می‌کنند.

1. Significant others

یورگن هابرماس (۱۳۸۴) یکی از مؤلفه‌های جامعه‌مدرن را اجبار و سرکوب می‌داند و این موضوع را هم در سطح ساختاری و کلان و هم در بعد فردی مربوط به کنشگر تحلیل می‌کند. اینجاست که فرد تلاش می‌کند به کمک بازاندیشی، موانع را زیر سؤال ببرد. این فرآیند در سطح اجتماعی نیز کاربرد دارد؛ چراکه می‌توان، از طریق نقد و بازاندیشی موانع اجتماعی، به نادیده‌گرفته‌شدن جنسیتی نیز واکنش نشان داد. کنش ارتباطی تحت وجه اجتماعی کردن، به هویت شخصی زنان و دختران جوان شکل می‌دهد. چنین فرآیندی بر انعطاف‌پذیری و بازاندیشی فردی می‌افزاید. فرد می‌تواند باورهای قالبی و کلیشه‌های رایج را به‌منزله‌هنجارهای اجتماعی هدف چون‌وچرا قرار دهد. از این‌رو، هابرماس امکان موجود در جامعه‌مدرن را رهایی‌بخشی به انسان، به‌خصوص زنان، می‌داند و زنان مجال بیشتری برای ساخت و پرداخت و عرضه خود پیدا می‌کنند (هابرماس، ۱۳۸۴: ۱۸۹). در نتیجه، آنچه در مباحث هابرماس برجسته می‌شود، توجه ویژه به رفتارهایی است که زنان به‌صورت هدفمند در برابر باورهای کلیشه‌ای و نادیده‌گرفته‌شدن انجام می‌دهند. آنتونی گیدنز از دوران مدرن با نام «جامعه‌پاساسنتی» با ویژگی حق انتخاب بیشتر یاد می‌کند (گیدنز، ۱۳۸۴: ۳۰). او، همچون هابرماس، معتقد است زمانی که سنت نتواند برای افراد کاری انجام دهد، ترکیبی از رهایی و نگرانی شکل می‌گیرد (همان، ۶۰). در نتیجه، در زندگی مدرن همیشه خطر وجود خواهد داشت. در جامعه پرخطر، فرد حتی درباب جان خود نیز خطر می‌کند. ادامه این روند ممکن است نشانه نوعی بی‌باکی اقل‌کننده فردی باشد (گیدنز، ۱۳۷۹: ۱۷۸).

مانوئل کاستلز تعریف نقش‌ها را ساخته دست نهادهای مسلط جامعه می‌داند، اما همین هویت‌های نقشی، ضمن اینکه منبع معنا برای خود کنشگران است، به دست خود آنها نیز از رهگذر فرآیند فردیت‌یافتن ساخته می‌شود. آنچه از بحث‌های کاستلز با موضوع این پژوهش مرتبط است، نوع رویکرد او به موضوع هویت و رابطه با قدرت است. کاستلز ساخت اجتماعی هویت را همواره در بستر روابط قدرت می‌یابد و بین سه صورت و منشأ برساختن هویت تمایز قائل می‌شود: هویت مشروعیت‌بخش که نهادهای غالب جامعه ایجاد می‌کنند تا سلطه‌شان بر کنشگران اجتماعی عقلانی شود و گسترش یابد؛ هویت مقاومت که به دست کنشگرانی ایجاد می‌شود که در اوضاع و احوالی قرار دارند که منطق سلطه آنها را بی‌ارزش می‌داند؛ چراکه با اصول تحت حمایت نهادهای جامعه در تضادند؛ و هویت برنامه‌دار که کنشگران آن را از طریق مواد و مصالح فرهنگی در دسترس می‌سازند و موقعیت آنان را در جامعه از نو تعریف می‌کند (کاستلز، ۱۳۸۰: ۲۴).

البته، در اینجا، ساخت هویت، برنامه‌ای برای یک زندگی متفاوت است و امکان دارد بر هویتی تحت ستم، در جهت دگرگونی جامعه به‌خصوص زیرسؤال بردن نظام تقسیم جنسیتی و باورهای سنتی مبتنی باشد؛ بنابراین، کاستلز بیشتر به هویت برنامه‌دار، به‌منظور معنادادن به کل تجربه‌های زندگی شخص، توجه دارد.

پیشینه تجربی

رویکرد ما به مصرف سیگار، روش پدیدارشناختی مبتنی بر ذهنیت کنشگران است که در میان بررسی‌های انجام‌شده چنین رویکردی وجود ندارد. تأمل بر پژوهش‌ها، آثار و مقالات علمی گویای غلبه نگاه کمی علت‌کاوانه است. بنابراین، بررسی حاضر می‌تواند تلاشی پیش‌گام در زمینه شناسایی این تجربیات باشد. از این‌رو، پیشینه شاخصی درباره موضوع ما موجود نیست. اما، به آن‌دسته از پژوهش‌هایی که قرابتی با موضوع این تحقیق دارند اشاره می‌شود:

سلیمی و همکاران (۱۳۸۵)، با روش کیفی، علل گرایش نوجوانان ارومیه به سیگار را با شیوه جمع‌آوری اطلاعات گروه متمرکز و پرسش‌نامه به‌روش نمونه‌گیری هدفمند و مصاحبه نیمه‌ساختاریافته کلایده است. مضامینی که از دیدگاه این پژوهشگران، البته بدون رعایت مراحل دستیابی به مضامین اصلی، مطرح بوده، از این قرار است: رفع عصبانیت، کنجکاو، احساس شخصیت، ترس از طردشدن از گروه، تأثیر محیط، تقلید، احساس خوشی و نشاط، لجاجت و مخالفت با روش‌ها و سخت‌گیری والدین، عشق زود هنگام، تحریک صحیح ناخواسته از طرف والدین، وجود افراد سیگاری در خانواده، رفع تنهایی، اعتراض به مدیران و مسئولان اجتماع.

در پژوهش‌های کمی شجاع و همکاران (۱۳۸۹)، ترقی‌جاه و همکاران (۱۳۸۹) و نیز علیوردی‌نیا و همکاران (۱۳۸۷) بین دوستان سیگاری و مصرف سیگار روابط معناداری به‌دست آورده‌اند. سعیدی و همکاران (۱۳۸۹) بین هنجارشکنی، رهایی از فشار عصبی و خطر رابطه معنادار یافته‌اند، و سیگل (۲۰۰۱) و پیس (۲۰۰۱) میان روابط خانوادگی و اجتماعی دانشجویان با مصرف سیگار به ارتباط معناداری دست یافته‌اند.

روش پژوهش

پدیدارشناسی هم یک مقوله‌ای فلسفی و هم روش تحقیق است که به‌منظور درک پدیده‌ها از طریق تجارب انسانی گسترش یافت. این روش تحقیق به‌دنبال روشن‌ساختن ساختار و جوهره پدیده‌های تجربه‌شده و توصیف دقیق آن از طریق تجزیه و تحلیل تجارب زندگی

مشارکت‌کنندگان است. این مطالعه در سال ۱۳۹۵ به منظور درک تجربه زندگی دختران دانشجوی مصرف‌کننده دائمی سیگار در دانشگاه‌های شهر کرمان صوت گرفته است. نمونه‌گیری هدفمند^۱ با کمک مصاحبه‌های عمیق و نیمه‌ساختاریافته^۲ درباره ۲۱ دانشجوی مقطع کارشناسی رشته‌های ریاضی (۷ نفر)، کامپیوتر (۵ نفر)، علوم اجتماعی (۳ نفر) و فیزیک (۳ نفر) در محدوده سنی ۱۸ تا ۲۳ سال، تا اشباع اطلاعات، ادامه یافت. تجزیه و تحلیل داده‌ها نیز با استفاده از روش هفت‌مرحله‌ای کلایزی انجام شده است. در بایستگی‌های این روش، ابتدا توصیفات همه مشارکت‌کنندگان به منظور هم‌احساس شدن با آنها خوانده می‌شود. سپس، با رجوع به هر کدام از یادداشت‌ها، عبارات مهم استخراج می‌شود. در سومین مرحله، محقق معنی یا مفهوم هر عبارت مهم را، که مفاهیم تنظیم‌شده نام دارد، معین می‌کند. در چهارمین گام، محقق مفاهیم تنظیم‌شده را درون دسته‌های موضوعی سازمان‌دهی می‌کند. در مرحله پنجم، یافته‌ها با توصیفی جامع از پدیده مورد نظر تلفیق می‌شود. توصیف جامع از پدیده موضوع تحقیق در قالب بیانیه‌ای صریح و روشن تنظیم می‌شود. در گام معتبرسازی نهایی، نتایج به هر یک از سوژه‌ها بازگردانده می‌شود و از آنها پرسیده می‌شود که آیا یافته‌ها انعکاسی از تجربیات آنهاست یا خیر (محمدپور، ۱۳۸۹: ۲۸۱). بدین طریق، مقوله‌های استخراج‌شده از پژوهش با کمک پرسش‌های ذیل تحلیل و تفسیر می‌شوند.

۱. تجربه زیسته دانشجوی درباره مصرف سیگار چگونه است؟ (سؤال اصلی)
۲. از نظر دانشجو، کدام عوامل و انگیزه‌ها در نحوه عملکردش دخیل بوده‌اند؟
۳. عملکرد دانشجو بر چه چیزی دلالت داشته است؟
۴. عاملیت فردی دانشجو در مصرف تا چه حد نقش دارد؟
۵. آیا میزان عملکردهای مقابله‌ای دانشجو نقش دارد؟
۶. آیا وقایع درهم‌شکننده مقاومت فردی در مصرف سیگار دانشجو نقش دارد؟
۷. در وضعیت کنونی، عملکرد مقابله‌ای دانشجو تحت تأثیر کدام برداشت‌ها (جمعی یا فردی) صورت گرفته است؟
۸. با تجربه وضع موجود، پیامدهای رقم‌خورده برای دانشجو چه بوده‌اند و خواهند بود؟

1. purposive sampling
2. In- depth & semistructured interview

یافته‌های پژوهش

در صورت‌بندی مفهومی این پژوهش، سه مقوله اصلی «عاملیت فردی»، «عملکرد مقابله‌ای»، «وقایع درهم‌شکننده مقاومت فردی» و چندین زیرمقوله برجسته شده‌اند.

مقوله اصلی اول: عاملیت فردی

عاملیت فردی ناظر بر کنشگر نیت‌مندی با توانایی و قدرت ویژه است که ساخت‌ها در اعمال اجتماعی او ظهور می‌کند. در چارچوب گفتمانی گیدنز، عامل‌ها با بی‌اعتنایی و بازسازی امور، ساخت‌ها را تغییر می‌دهند و جایگزین می‌کنند (گیدنز، ۱۳۸۴: ۲۱). مطابق تجارب زیسته دختران، برای عاملیت فردی مقوله‌های فرعی «خطرپذیری و هیجان‌خواهی» و «سازوکار تشخیص‌یابی» ساخته شده‌اند.

خطرپذیری و هیجان‌خواهی

مقوله مخاطره بخشی از تلاشی است که می‌توانیم به‌منظور دریافتن شیوه‌های پاسخگویی دختران جوان به مجموعه‌ای از موقعیت‌های تهدیدآمیز از آن استفاده کنیم. پیدایی مباحث معطوف به رفتارهای پرخطر، نقشی اساسی در طرح مسائل مرتبط با مصرف مواد در حوزه جامعه‌شناسی دارد. واقع امر این است که جوامع کنونی، جملگی، در سیطره ناسامانی‌های جمعی ناشی از مخاطره به‌سر می‌برند. در همین زمینه است که اولریش بک، پیوسته، نگرانی خود را از سرنوشت مخاطره‌آمیز زندگی اجتماعی بیان می‌کند و روایتی از اینکه چگونه این خطرها انسان‌ها را به بی‌راهه می‌کشاند ارائه می‌دهد.

ببینید وضعیت الان طوری است که هیچ‌چیز پیش‌بینی شده نیست و هر خطری که بگویی آدم را تهدید می‌کند. بله، همه می‌دانند سیگار خطر دارد، اما این هم مثل بقیه خطرها (کارشناسی، ۱۹ ساله، رشته فیزیک).

این بازخوانی جوانان از زندگی حاصل ترکیب بدیعی است که نشان می‌دهد خطر متعلق به کسی است که به آینده نگاهی ناروشن و نامعین دارد و به همان نسبت نیز از گذشته بیم‌ناک است (عاملی، ۱۳۸۲: ۱۶۲).

ما چه چیزی از زندگی نصیبمان شده که نگاهی هم به آینده داشته باشیم (کارشناسی، ۲۲ ساله، رشته کامپیوتر).

در این تنهایی، این [سیگار] همدم بدی نیست. حال هر مشکلی داشته باشد به ضررش می‌ارزد (کارشناسی، ۲۰ ساله، رشته ریاضی).

در این معنا، جامعه مخاطره‌آمیز کنونی، هم جوانان را به‌نحوی فزاینده درگیر زندگی شخصی کرده و هم بر شدت آسیب‌پذیری آنها افزوده است. امروزه، جوانان با مخاطراتی سروکار دارند که به‌لحاظ اجتماعی، اخلاقی و از حیث پیامدها، با مخاطراتی که نسل‌های پیشین با آن مواجه بوده‌اند تفاوت دارد. به‌تعبیر اولریش بک، مشکل اساسی جوامع امروزی ناتوانی آنها در به‌حداقل‌رساندن خطرهایست. از این‌رو، جوانانی که در این جوامع زندگی می‌کنند، پیوندی گسسته‌ناپذیر با خطر می‌یابند (توسلی و ودادهیر، ۱۳۸۸) و گاه علاقه‌مندند در ساحت‌های گوناگون اجتماعی با آن مواجه شوند. به‌این‌ترتیب، هیجان‌خواهی به یکی از جنبه‌های محدود شخصیت تبدیل می‌شود که با نیاز به احساسات و تجربه‌های متنوع بدیع و پیچیده، دست‌یازی به خطرجویی جسمانی و اجتماعی را تقویت می‌کند. این ویژگی شخصیتی برساختی است از چهار مؤلفه حادثه‌جویی، تجربه‌جویی، بازدارندگی زدایی و ملال‌پذیری که با مصرف مواد مخدر ارتباط می‌یابد (سیدمحمدی، ۱۳۸۰). در این وضعیت، هیجان‌ها و رفتارهای پرخطر عاملی قوی در ارتکاب جرم قلمداد می‌شوند؛ چه اینکه برخی افراد جذب لذت این‌گونه رفتارها می‌شوند (کاتز، ۱۹۹۸).

به نظر الان اگر نگاه کنی تقریباً همه یک بار هم شده سیگار را امتحان کرده‌اند
(کارشناسی، ۲۲ ساله، رشته ریاضی).

بسیار روشن است که پی‌جویی خطر، هیجان و لذت در ساختارهای جامعه مدرن، خود به مسئله‌ای جدی برای مرزبندی لذت، هیجان‌خواهی مقبول و اخلاقی و تمایلات و لذت‌های خاص، به‌مثابه عمل انحرافی، تبدیل می‌شود.

سازوکار تشخیص‌یابی

تمایل به سرگرم‌شدن با مصرف سیگار در ادامه ممکن است نوعی ابراز وجود تلقی شود که تجربه آن، به تصور دختران، صورت‌بندی و برساخت توانایی آنان است. وقتی جلو دختران دیگر سیگار می‌کشم، یک حس درونی قدرت مردانه به‌ام دست می‌دهد (کارشناسی، ۲۱ ساله، رشته علوم اجتماعی).

آنجا که مصرف سیگار عملی مردانه تلقی می‌شود، دختران از این مسئله به‌منزله امکان نمایش خود همچون شخصیتی مستقل در جامعه سود می‌برند؛ چراکه با اهمیت‌یافتن «سیاست زندگی»^۱ در جامعه امروز، چشم‌اندازی پیش روی آنان قرار می‌گیرد که می‌توانند بر اساس آن

رفتارهای خود را تحت اختیار گیرند. از این رو، مصرف سیگار بیش از پیش ناظر بر تعریفی است که افراد از عمل خود مراد می‌کنند.

خدایاش یک جاهایی سیگار به آدم امنیت می‌دهد، پیش آمده وقتی سیگار می‌کشم، خیلی‌ها دستشان می‌آید با کی طرف هستند (کارشناسی، ۲۰ ساله، رشته فیزیک).

پرسش از چرایی این موضوع ما را به فرهنگ مردسالار رهنمون می‌سازد که خرده‌فرهنگ دختران را با بی‌اعتنایی می‌نگرد و مانع ابراز بیرونی آنها در عرصه عمومی می‌شود. بر این بنیان تحلیلی است که شاهد شکل‌گیری خرده‌فرهنگ شبه‌مردانه در میان دختران جوان به‌منظور تسخیر فضای عمومی هستیم.

مقوله اصلی دوم: عملکرد مقابله‌ای

عملکرد مقابله‌ای به مجموعه‌ای برنامه‌ریزی‌شده از سبک‌ها، راه‌بردها (کلینک،^۱ ۱۹۹۸)، فعالیت‌ها و فرآیندهای پیچیده رفتاری گفته می‌شود که با توجه به ارزیابی فرد به تصور اعمال کنترل بر فشارهای موقعیتی و لذت‌بخش کردن آن به‌کار می‌رود. با بررسی پاسخ‌ها، چنین استنباط می‌شود که مقوله‌های فرعی «واکنش به موقعیت نابرابر» و «نیاز به پذیرش» را می‌توان فعالیت‌های مقابله‌ای قلمداد کرد.

واکنش به موقعیت نابرابر

نکته ذکر شده درباب مردسالاری در فهم مقوله فرعی فوق از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است؛ چراکه بی‌شک در رویکردهای مردسالاری مبتنی بر رجحان و برتری مردان، فضا به‌گونه‌ای رقم خواهد خورد که احساس اجحاف و نابرابری را در میان زنان و دختران بیدار خواهد کرد. پسرها خیلی وضعشان بهتر از ما دخترهاست؛ توی این وضعیت که همه‌جور نابرابری در حق ما می‌شود، گیر دادن به سیگار کشیدن دخترها هم یک‌جور نابرابری است. اگر این موضوع بد است، چرا نگاه به پسرها این‌جوری نیست؟ (کارشناسی، ۲۱ ساله، رشته علوم اجتماعی).

بالاخره یک‌مقدار درس که خواندیم، این وضع را درک می‌کنیم که تبعیض و نابرابری در تمام سطوح جامعه علیه ما گسترده است. از شرایط خانه تا تحصیل

1. Kleinke

و کار. اگر هم تو را بخواهند برای چیزهای دیگر می‌خواهند. خشونت علیه ما از هر نوعش بیداد می‌کند (کارشناسی، ۲۲ ساله، رشته علوم اجتماعی).

بدین ترتیب، چنین افرادی سیگار را نه برای کسب لذت، بلکه به منظور سرکوب طغیان درونی خود و برون‌رفت از آن به کار می‌گیرند. نکته مهم دیگری که طرح آن اجتناب‌ناپذیر است، رجوع به نظریه ناکامی است. چنانچه فرد به علت مشکلات و مسائل شخصی و اجتماعی با مانع روبه‌رو شود، خشم و پرخاشگری در او نمایان می‌گردد (مهرابی‌زاده و همکاران، ۱۳۸۷). به نظر می‌رسد این توصیف امکان تحلیل علمی موقعیت، چگونگی و پیامدهای منبعث از خشونت را به ما نمی‌دهد. از آنجاکه این توصیف جایگاه زنان و دختران جوان را در تمایز و مرزبندی با مردان روشن نمی‌سازد، فهم‌ناپذیر است و بازگوکننده دقیق وضعیت دختران جوان نیست؛ زیرا تحت تأثیر فضای اجتماعی و فرهنگی، اعمال رفتار خشونت‌آمیز ناشی از ناکامی دختران ناپسند تلقی می‌شود. بدین ترتیب، این افراد آرامش درونی را در مصرف مخدر از جمله سیگار می‌یابند.

پشت این دود سیگار کلی حرف‌ها خوابیده. ما دردهای تبعیض و دو چشم یک چشم دیدن را کجا خالی کنیم؟ (کارشناسی، ۱۹ ساله، رشته کامپیوتر).

توی خانه ما، این پدر و بعضی اوقات برادرها هستند که حرف اول را می‌زنند. واقعاً شرایط عذاب‌آوری است؛ همیشه در منگنه هستیم. این سیگار برای دوری از این وضعیت است (کارشناسی، ۲۰ ساله، رشته فیزیک).

نیاز به پذیرش

در مقاطع مختلف زندگی، افراد با ورود به فضاهای جدید اجتماعی، گسستی در پیوندهای اجتماعی قدیم و جدید احساس می‌کنند. در دوران دانشجویی فرد این گسست را در فضایی علمی تجربه می‌کند و با پدیده «فردی‌شدن» روابط اجتماعی و خلأ تنهایی مواجه می‌شود. با توجه به ویژگی‌های خاص دوره دانشجویی، از جمله زندگی در خوابگاه، دوری از خانواده و تنهایی (رید و همکاران، ۲۰۰۷)، آسیب‌پذیری دختران دانشجو افزایش می‌یابد.

تجربه فضای خوابگاه برای کسانی که از خانه آمده‌اند یک عامل اصلی است. اصلاً فضای خوبی نیست (کارشناسی، ۲۱ ساله، رشته ریاضی).

دخترهایی که من می‌شناسم بیشترشان ترم اول سیگار کشیدند و کاملاً هم مشخص است چرا: تنهایی و تعارف هم‌خوابگاهی‌ها (کارشناسی، ۲۰ ساله، رشته کامپیوتر).

تنها بر طبق این گفتمان است که میل به عضویت در گروه به منزله نیازی اساسی قابل درک است. شدت این نیاز، به‌ویژه در دختران، به‌اندازه‌ای است که آنها را به پذیرش برخی تقاضاهای زیان‌بار جسمی، روانی، اخلاقی و اجتماعی دوستان وادار می‌کند؛ چراکه جوانان دچار وحشت طرد از جمع هستند. این وحشت بیشتر بر این بنیان استوار است که ممکن است در بسیاری مواقع فرد طردشده به حاشیه رانده شود.

یکی دو نفر از دوستانم بودند که می‌کشیدند، اما واقعیتش من هم احساس تنهایی می‌کردم. آنها تعارف کردند و من هم شروع کردم (کارشناسی، ۲۳ ساله، رشته فیزیک).

بعضی بچه‌ها جوی به‌وجود می‌آوردند که کسی هم که نمی‌کشید مجبور بود همراهی کند (کارشناسی، ۲۰ ساله، رشته ریاضی).

این پذیرش تا حدود زیادی در مناسبات میان خود دختران معنا می‌یابد. مناسبات میان گروه‌های مختلف دختران گاه تأثیرات مستقیم و مهم‌تری نسبت به مناسبات آنها با افراد دیگر دارد.

مقوله اصلی سوم: وقایع درهم‌شکننده مقاومت فردی

وقایع درهم‌شکننده مقاومت فردی مشتمل بر روی‌دادهای مسئله‌داری است که در نهایت به ناتوانی و سازگاری موفقیت‌آمیز فرد در برخورد با موقعیت مسئله‌ساز منجر می‌شود. این مقوله نیز از سه مقوله فرعی «دیگران مهم»، «ناهم‌گونی تعاملات خانوادگی» و «فقدان تاب‌آوری» تشکیل شده است.

دیگران مهم

مطابق بسیاری از رویکردها و نظریه‌های علمی، توافقی عام وجود دارد که فرآیند مصرف گاه از طریق آموزشی سامان می‌یابد که از راه‌های غیرمستقیم مانند سرمشق‌گیری یا مشاهده رفتار به‌وجود می‌آید. وقتی کسانی از اقشار فرادست جامعه یا صاحب منزلت اجتماعی بالا در حال سیگارکشیدن مشاهده شوند، این الگوی رفتار، خواسته و ناخواسته، به ذهن فعال و ضمیر نانوشته جوانان تزریق می‌شود.

یک لحظه برو توی صفحه شخصی افراد مشهور و نویسندگانی موفق، می‌بینی این قضیه را (کارشناسی، ۲۱ ساله، رشته علوم اجتماعی).

چندتا عکس از هنرمندگانی مشهور نشان بدهم که سیگار می‌کشند؟ اینها خودش تأثیرگذار است خوب (کارشناسی، ۲۰ ساله، رشته ریاضی).

از بیشتر مصاحبه‌ها چنین استنباط می‌شود که فضای دانشگاه گرایش به سیگار را تسهیل می‌کند. برخی از مصاحبه‌شوندگان سیگار را یکی از مظاهر مشخص‌کننده علمی/هنری می‌دانند. بسیاری از دختران جوان به دلیل روحیه لطیف و حساس، با قرارگرفتن در موقعیت تحصیلی دانشجویی، خود را مشتاق به اجرای چنین الگوهایی می‌یابند: فرآیندی هم‌راستای مفهوم «تقویت افتراقی»^۱ و نظریه ایکرز. از دیدگاه او، افراد رفتاری را برمی‌گزینند که تعریف تأییدکننده‌ای برای آن به دست آورند؛ زیرا یادگیری در گروه‌هایی که فرد با آنها احساس نزدیکی دارد، مؤثرتر اتفاق می‌افتد. این گروه‌ها به‌منزله الگوهای رفتاری برجسته عمل می‌کنند و کنترل و هدایت را به دست می‌گیرند. به عبارتی، اگر کسانی که فرد با آنها پیوند دارد، در اعمال انحرافی دخیل شوند، به‌مثابه الگوی سرمشق‌دهنده عمل خواهند کرد (علی‌وردی‌نیا و همکاران، ۱۳۸۷: ۸).

بهترین استادهاى ما، از نظر علم و سواد، سیگاری هستند. حتى این موضوع آن‌طور که دوستانم می‌گویند در میان استادهاى رشته‌هاى فنى همه‌گیرتر است (کارشناسی، ۲۳ ساله، رشته ریاضی).

ناهم‌گونی تعاملات خانوادگی

با عنایت به مسائل جوامع جدید مبتنی بر «ناهم‌گونی تعاملات اجتماعی» و تقلیل روابط اجتماعی و ضعف پیوندهای ارتباط‌دهنده فرد با اجتماع، چنان‌چه به بررسی دقیق‌تر این مفهوم بپردازیم، پی خواهیم برد که برخی افراد در معرض آن‌گونه از روابط اجتماعی قرار دارند که از مصادیق اصلی آن نبود رابطه و پیوند نزدیک با دیگران صمیمی است. بی‌شک، چنین احساس ناپیوستگی با محیط، احتمال درگیری در رفتارهای پرخطر را افزایش می‌دهد. فصل قریب چنین گفتمانی را می‌توان در نبود تعاملات تفاهمی بین اعضای خانواده‌های مصاحبه‌شوندگان مشاهده کرد.

خانه هم یک بعد این موضوع است. وقتی فضایی باشد که تصمیم‌گیری فقط با درگیری باشد، خانه دیگر خانه نیست، جبهه جنگ است... (کارشناسی، ۲۱ ساله، رشته کامپیوتر).

در چنین ساختی از روابط، هر یک از اعضای خانواده واحد جداگانه‌ای هستند و زندگی خانوادگی به عرصه‌ای بدل شده که در آن اعضا هیچ مقصود و هدف مشترک ایجادکننده وابستگی ندارند.

1. Differential Reinforcement

سر همه ما توی خانه به کارهای خودشان گرم است. کسی به کار کسی کار ندارد (کارشناسی، ۱۹ ساله، رشته کامپیوتر).

در توضیح این مطلب و هم عقیده با هرشی، می توان اذعان کرد که هر چه وابستگی و تعلق افراد در یک زمینه اجتماعی مثبت (در اینجا خانواده) کمتر باشد، احتمال رخداد رفتار اجتماعی نامناسب آنان بیشتر می شود (صدیق سروسنایی، ۱۳۸۷: ۵۳). این رویکرد، در نظریه «شبکه اجتماعی»^۱ نیز قابل ردیابی است؛ زیرا توجه آن معطوف به روابط و حمایت های اجتماعی است. کارکرد بالقوه شبکه های اجتماعی فراهم کردن حمایت اجتماعی است (چلبی، ۱۳۸۵: ۶۸). یافته های برخی مطالعات نیز (برکمن و همکاران، ۲۰۰۰) نشان داده که هر چه افراد از خانواده حمایت اجتماعی بیشتری دریافت کنند، رفتارهای پرخطر کمتری خواهند داشت. بدیهی است که این وضعیت به سامان بخشی سازگاری اجتماعی فرد یاری خواهد رساند و در مقابل، خلأ یا عدم اقناع عاطفی به درهم شکستگی بیشتر روابط خانوادگی و تحلیل روابط عاطفی می انجامد.

فقدان تاب آوری

چارچوب مطالعاتی جرم شناسی جدید، ناتوانی فرد در برخورد با موانع و ناکامی های زندگی را تعیین کننده وقوع و رواج رفتارهای انحرافی می داند (ذکایی، ۱۳۹۱).

از وقتی آدم چیزی از زندگی بفهمم، توی خانه مان مشکل بود و درگیری. بعد از هر درگیری هم هر کسی چند روز می رفت پی کار خودش. اولین بار که پشت بام سیگار کشیدم این جور موردی بود (کارشناسی، ۲۱ ساله، رشته کامپیوتر).

نمی توانم کتمان کنم که یک رابطه عاطفی نافرجام میزان مصرفم را بالا برد. البته قبلش سیگار می کشیدم اما شاید ماهی یک بار نه روزانه (کارشناسی، ۲۱ ساله، رشته علوم اجتماعی).

همیشه بعد از هر امتحانی که خراب می کنم، تا اعلام نمره مصرفم بالا می رود (کارشناسی، ۲۱ ساله، رشته ریاضی).

تبیین این وضعیت را می توان با ارجاع به جنبه های شخصیتی افراد، یعنی همان عدم مقاومت و تحمل در موقعیت های سخت و پرخطر، روشن ساخت؛ بدان معنا که این دسته افراد

1 . Network Theory

در سازمان‌دهی و انجام فعالیت‌های ضروری جهت مدیریت وضعیت‌های دشوار در برابر عوامل آسیب‌زا فاقد توانایی حفاظت از خود می‌شوند.

بحث و نتیجه‌گیری

واکاوی تجربه دانشجویان دختری که روزانه سیگار مصرف می‌کنند نشان می‌دهد که آنها تجربه زیسته خاص خود را از این طریق به نمایش می‌گذارند. اگرچه بررسی‌های کمی بنیادها و اصول مشابهی دارند، به نظر می‌رسد در تحلیل این پدیده، از یک‌سو، کمتر به فرهنگ و روابط اجتماعی توجه شده است، و از دیگر سو، اعمال افراد مصرف‌کننده نوعی واکنش در نظر گرفته شده است. ما این رویکردهای تحلیلی را «تقلیل‌گرا» می‌دانیم که هر عملی را به‌خودی خود و برای خود رؤیت می‌کنند، و آن را مستقل از جهان، رفتارهای جایگزین‌پذیری در نظر می‌گیرند و تطابق میان جایگاه اجتماعی و سلیقه‌ها و رفتار را به‌صورت روابط مکانیکی و مستقیم تصور می‌کنند. در عوض، معتقدیم باید تلاش کرد تا مصرف سیگار را، با توجه به تجربه زیسته افراد، یکی از رفتارهای درهم‌تنیده حوزه جامعه به تصویر بکشیم و چنانچه در بررسی خود مصرف‌کننده را کنشگر در نظر آوریم، آن‌گاه باید عوامل متعددی را وارد تحلیل کنیم و از اکتفا به نگرش‌های آسیب‌شناختی اجتناب ورزیم.

یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که وضعیت نابسامان ساخت جامعه‌ای چون کرمان به اختلال‌های هویتی در میان این دختران انجامیده و آنها را به سمت رفتارهای پرخطر، به‌منزله راهی برای ترمیم آسیب‌دیدگی، سوق داده است و از آنجا که زمینه‌های انگیزه‌بخش به دختران دانشجوی، نظیر «عاملیت فردی»، «وقایع درهم‌شکننده مقاومت فردی» و «عملکردهای مقابله‌ای»، فراهم آمده، گرایش به مصرف سیگار روی داده است. بر این مبنای باید مصرف سیگار را همچون پدیده‌ای «چندعاملی»^۱ فهم کرد. با در نظر گرفتن عوامل به‌دست‌آمده در یافته‌های پژوهش، باید گفت برخی از رفتارهای انحرافی، از طریق تأثیر گذاشتن بر منابع اجتماعی، به عواملی از قبیل ارضای حس کنجکاو و خطرپذیری دختران دامن زده‌اند که به افزایش لذت‌های ناشی از انجام این رفتارها در مقابل هزینه‌های کوتاه‌مدت و بلندمدت انجامیده است. از این‌رو، لذت و هیجانی که دختران از مصرف سیگار کسب می‌کنند، سازوکاری برای ابراز وجود و تشخیص‌یابی است. از این منظر، مصرف سیگار را می‌توان سازوکاری برای فراروی از منع‌های

1. Multi-factor Phenomenon

اجتماعی دختران شاغل به تحصیل در کرمان دانست. غلبه رویکردهای مردسالار، مردان را طلایه‌دار اصلی سامان‌دهی به فضای اجتماعی معرفی می‌کند و به فروکاستن نقش زنان و دختران جوان منجر می‌شود. حال، که این دیگری «تعمیم‌یافته»، هم برای زنان و دختران و هم برای مردان، جنس مذکر است، مسیر تشخیص‌یابی و کسب اعتبار دختران دانشجو به سمت تقلید رفتارهای مردانه سوق یافته است.

تجارب زیسته این گروه نشان می‌دهد که عملکردهای مقابله‌ای حوزه مصرف سیگار، با عبارتهای گوناگونی چون واکنش به موقعیت نابرابر و نیاز به پذیرش توصیف می‌شود؛ به‌طوری که به‌تعبیر بارون و برن (۲۰۰۰)، اگر فردی درباره فضای اجتماعی نابرابر، ترجیح نگرشی منفی مبتنی بر استدلال داشته باشد، به احتمال فراوان، شاهد کنش مقابله‌ای درباب نگرش مزبور خواهیم بود. بررسی کوتر (۲۰۰۲) نیز نشان داده است که نگرش‌ها و هنجارهای ذهنی جوانان در شکل‌گیری نیات و مقاصد رفتاری به مصرف سیگار منتهی شده است. در چنین فضاهای اجتماعی نابرابری، دختران دانشجوی شاغل به تحصیل در کرمان هیچ‌گاه درباره آنچه روی می‌دهد اطمینان ندارند. آنها گرفتار این مشکل هستند که از یک‌سو نیازهای خود را پوشش دهند و از دیگر سو به محیط نامطلوب واکنش نشان دهند. در نتیجه، تمایلات ضد اجتماعی ایشان فزونی می‌یابد و علاوه بر رفتارهای ضد اجتماعی، واکنش‌های منفی و ادامه عضویت در گروه‌های مورد نظر خود را دنبال می‌کنند.

گرچه چنین قرائتی از رفتار این دختران قانع‌کننده به‌نظر می‌آید، برای تکمیل چرخه اثرگذاری، دو مقوله پیش‌گفته (عاملیت فردی و عملکردهای مقابله‌ای) باید در کنار مقوله دیگری قرار بگیرند که وظیفه تعیین‌بخشی به مصرف سیگار دختران را ایفا می‌کند. این مفهوم «وقایع درهم‌شکننده مقاومت فردی» است که با عنایت به چشم‌انداز منتج از تجربه زیسته دختران دانشگاه‌های شهر کرمان، در مؤلفه‌های «دیگران مهم»، «ناهم‌گونی تعاملاتی خانوادگی» و «فقدان تاب‌آوری» تجلی می‌یابد. هر سطحی از درگیری به‌واسطه هم‌نشینی افتراقی و مشاهده دیگران مهم ساخت‌یافتنی است. بدین طریق، شبکه ارتباطات بین‌شخصی و نمود آن به‌شکل سرمایه اجتماعی، مبین نقش این شبکه در مصرف سیگار است. چشم‌انداز تعاملی سیگل (۲۰۰۱) نیز روابط عمیق اجتماعی افراد را، به‌ویژه در ساحت‌های خانوادگی، در مصرف سیگار مؤثر یافته است. پیس (۲۰۰۱) نیز همین‌گونه نتیجه گرفته که پیامد گسستن پیوندهای خانوادگی و روابط اجتماعی، فقدان مشارکت و گم‌کردن هدف است.

در جمع‌بندی نهایی از مباحث تحلیلی و با عطف توجه به قرائت تجارب ذهنی مصاحبه‌شوندگان، باید گفت این مسئله پیچیده‌تر و ریشه‌دارتر از آن است که بتوان با منطق و

عقلانیت عینیت‌یافته، به تحلیلی متقن از آن دست یافت. مسئله پذیرفته‌شده این است که تأثیر عوامل ذکرشده بر همه افراد یکسان نیست. اثر این عوامل بر حسب عدم تحدید و کران‌مندی موضوع و نیز گرایش‌ها، استعدادها، آمادگی روانی، ذهنی و ظرفیت تحمل افراد متفاوت است. از این‌رو، انتظار ارائه راه‌کارهای قطعی ما را در موضع امتناع از مسئله قرار می‌دهد.

با توجه به مطالب ذکرشده، توصیه می‌شود که عوامل بسیاری پیش‌نظر قرار گیرند. اگرچه نمی‌توان تجربه زیسته دختران و عوامل زمینه‌ساز و ساختاری را نادیده گرفت، بر این باوریم که هر گونه سیاست‌گذاری به‌منظور کاهش رفتارهای پرخطر، به‌ویژه مصرف سیگار، بدون پی‌جویی زمینه‌های فردی، تفسیری نادرست از مسئله می‌سازد. از این‌رو، ما راه‌کار اصلی را شکل‌گیری «شخصیت اجتماعی پیشرفته»^۱ می‌دانیم. تشکل و رشد این شخصیت از طریق ترکیب نیازهای ارگانیک با انتظارات اجتماعی در مراحل گوناگون جامعه‌پذیری و در برخورد با محیط‌های اجتماعی و فرهنگی صورت می‌گیرد. از زاویه‌ای دیگر، هر قدر فرآیند درونی کردن محیط‌های مختلف بیشتر باشد، به همان نسبت نیز تمایلات شخصیتی منتقل می‌شود و این خود به فرد اجازه می‌دهد تا به‌صورت مؤثرتری با تقاضاهای نامطلوب اجتماعی مواجه شود (چلبی، ۱۳۷۵). در تلاش برای دست‌یابی به چنین امری، از میان مراحل که مونچ (۱۹۸۸) جهت شکل‌گیری تمایلات شخصیتی پیشرفته برمی‌شمارد، کوشش برای اعمال کنترل بر محیط درونی و بیرونی، خردمندی و خودتنظیمی درخور توجه است. می‌توان گفت که شخصیت پیشرفته، ویژگی‌ای است که در آن تاب‌آوری، اراده، وابستگی عاطفی و بینش متناسب با هم رشد می‌کنند و همگی هم‌زمان در یکدیگر نفوذ متقابل دارند. این ویژگی‌ها را متناظر با تجربه زیسته دختران در این پژوهش می‌دانیم. بدین ترتیب، مصرف سیگار فرآیندی ارتباطی است که درون موقعیت نابسامان فردی و اجتماعی پدید می‌آید و از خلال آن می‌توان به تصویری از تحولات و تغییرات اجتماعی دست یافت. این رویکرد، نشان‌دهنده امکان‌پذیری شناخت بنیان‌های این رفتار به‌واسطه بررسی‌ها و تحقیقات جامعه‌شناختی در حیطه روش‌های کیفی است.

منابع

آبادینسکی، هووارد (۱۳۸۴) *مواد مخدر؛ نگاهی اجمالی*، ترجمه جلیل کریمی و همکاران، تهران: جامعه و فرهنگ.

- ترقی‌جاه، صدیقه و همکاران (۱۳۸۹) «عوامل پیش‌بینی‌کننده مصرف سیگار و قلیان در دانشجویان دانشگاه‌های دولتی، پژوهش در پزشکی»، *مجله دانشگاه علوم پزشکی شهیدبهشتی*، دوره سی و چهارم، شماره ۴: ۲۴۹-۲۵۶.
- توسلی، غلام‌عباس و ابوعلی و داد‌هیر (۱۳۸۸) «مناسبات دانش و سیاست در یک جامعه مخاطره‌آمیز: تأملی جامعه‌شناختی بر شکل‌گیری جوامع مخاطره‌آمیز نظارتی در عصر حاضر»، *مجله جامعه‌شناسی ایران*، دوره دهم، شماره ۴: ۲۲-۴۲.
- جعفری، فرهاد و ملیحه امین‌زاده (۱۳۹۰) «بررسی شیوع و عوامل مرتبط با استعمال سیگار در میان دانشجویان دانشگاه هنر تهران»، *مجله علمی/بزن‌سینا*، سال چهاردهم، شماره ۳: ۲۸-۳۳.
- چلبی، مسعود (۱۳۷۵) *جامعه‌شناسی نظم*، تهران: نی.
- چلبی، مسعود (۱۳۸۵) *تحلیل اجتماعی در فضای کنش*، تهران: نی.
- حاجی‌حسینی، مهرداد و همکاران (۱۳۹۰) «پیش‌بینی گرایش به اعتیاد بر اساس میزان پرخشگری و ابراز وجود در دانشجویان»، *اعتیاد‌پژوهی*، سال پنجم، شماره ۲۰: ۴۱-۵۵.
- دیوسالار، کورس و ابوذر نخعی نوذر (۱۳۸۷)، «شیوع مصرف سیگار و عوامل مرتبط با آن در دانشجویان دو دانشگاه شهر کرمان»، *مجله علمی دانشگاه علوم پزشکی بابل*، شماره ۴: ۷۸-۸۳.
- ذکایی، محمد (۱۳۹۱) «جرم‌شناسی فرهنگی و مسئله جوانان»، *مجله جامعه‌شناسی ایران*، دوره سیزدهم، شماره ۲: ۸۳-۵۸.
- سراج‌زاده، حسین و ایرج فیضی (۱۳۸۳) *شیوع‌شناسی مواد مخدر در بین دانشجویان دانشگاه‌های دولتی*، تهران: طرح پژوهشی دفتر برنامه‌ریزی مطالعات فرهنگی وزارت علوم تحقیقات و فناوری.
- سعیدی، علی‌اصغر و همکاران (۱۳۸۹) «عوامل جامعه‌شناختی مؤثر به مصرف سیگار در بین زنان و دختران شهر تهران»، *بررسی مسائل اجتماعی ایران*، سال اول، شماره ۴: ۹۲-۷۳.
- سلیمی، صالح و همکاران (۱۳۸۵) «پژوهشی کیفی بر علل گرایش نوجوانان ارومیه به سیگار»، *مجله دانشکده پرستاری و مامایی*، شماره ۵۴: ۴۳-۵۷.
- سیدمحمدی، یحیی (۱۳۸۰) *انگیزش و هیجان*، تهران: ویرایش.
- شجاع، مهدیه و همکاران (۱۳۸۹) «بررسی فراوانی مصرف و علل گرایش به سیگار در دانشجویان ساکن خوابگاه‌های دانشگاه علوم پزشکی گلستان در سال ۸۷»، *پژوهنده (مجله پژوهشی دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی)*، سال پانزدهم، شماره ۳: ۱۲۸-۱۲۳.
- صدیق سروستانی، رحمت‌اله (۱۳۷۸) *آسیب‌شناسی اجتماعی؛ جامعه‌شناسی انحرافات اجتماعی*، چاپ دوم، تهران: سمت.
- صدیق سروستانی، رحمت‌اله (۱۳۷۹) «فراتحلیل مطالعات انجام‌شده در حوزه آسیب‌شناسی اجتماعی در ایران»، *نامه علوم اجتماعی*، شماره ۱۵: ۱۰۳-۶۷.

- ضیاء‌الدینی، حسین و همکاران (۱۳۸۷) «شیوع مصرف سیگار و عوامل مرتبط در دانش‌آموزان کرمانی»، *مجله اصول بهداشت روانی*، سال دهم، شماره ۳: ۲۴۵-۲۳۹.
- ضیایی، پرویز و همکاران (۱۳۷۹) «مصرف سیگار و سن اولین استفاده در میان دانش‌آموزان دبیرستانی تهران»، *مجله تحقیقات حکیم*، شماره ۴: ۸۴-۷۸.
- طارمیان، فرهاد (۱۳۸۵) شیوع‌شناسی مواد مخدر در بین دانشجویان شهر تهران و بررسی عوامل خطر و حفاظت‌کننده، تهران: طرح پژوهشی دفتر مرکز مشاوره معاونت دانشجویی وزارت علوم و تحقیقات فناوری.
- عاملی، سعیدرضا (۱۳۸۲) «در جهانی‌شدن‌ها و جامعه‌های اضطراب»، *نامه علوم اجتماعی*، شماره ۲۱: ۱۷۴-۱۴۳.
- علی‌وردی‌نیا، اکبر و همکاران (۱۳۸۷) «تبیین جامعه‌شناختی گرایش به مصرف سیگار»، *مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه خوارزمی*، شماره ۶۱: ۱۸۸-۱۶۱.
- قاسمی روشن، ابراهیم (۱۳۸۲) «از اعتیاد زنان تا نابسامانی خانواده»، *فصلنامه شورای فرهنگی اجتماعی زنان*، سال ششم، شماره ۲۲: ۱-۲۲.
- کاستلز، مانوئل (۱۳۸۰) *عصر اطلاعات: اقتصاد و جامعه و فرهنگ*، قدرت هویت، ترجمه حسن چاوشیان، چاپ دوم، تهران: طرح نو.
- گیدنز، آنتونی (۱۳۷۹) *جهان رهاشده: گفتارهایی درباره یک پارچگی جهانی*، ترجمه علی‌اصغر سعیدی و یوسف عبدالوهاب، تهران: علم و ادب.
- گیدنز، آنتونی (۱۳۸۴) *چشم‌اندازهای جهانی*، ترجمه محمدرضا جلالی‌پور، تهران: طرح نو.
- محمدپور، احمد (۱۳۸۹) *ضد روش*، جلد اول، تهران: جامعه‌شناسان.
- مقدم، سوری (۱۳۸۷) «نگاهی آسیب‌شناختی به جاذبه سیگار در زنان»، *گزارش*، سال هفدهم، شماره ۲۰۱: ۳۳-۳۲.
- منطقی، مرتضی (۱۳۸۳) *مبانی نظری هویت و بحران هویت؛ مراتب و مؤلفه‌های هویت*، تهران: پژوهشکده علوم انسانی و اجتماعی جهاد دانشگاهی.
- مهاجر، هاجر (۱۳۸۶) رابطه نگرش به مواد مخدر و عوامل پیش‌بین در دختران مقطع دبیرستان شهر تهران: طرح پژوهشی مرکز تحقیقات سوءمصرف و وابستگی مواد.
- مهرابی‌زاده، مهناز، کیهان فتحی و منیجه شهینی (۱۳۸۷) «بررسی افسردگی، هیجان‌خواهی، پرخاشگری، سبک‌های دلبستگی و وضعیت اقتصادی-اجتماعی به‌عنوان پیش‌بینی‌های وابستگی به مواد مخدر در نوجوانان شهر اهواز»، *مجله علوم تربیتی و روان‌شناسی*، دوره پانزدهم، شماره ۱: ۱۷۸-۱۵۳.
- هابرماس، یورگن (۱۳۸۴) *نظریه کنش ارتباطی*، جلد اول، ترجمه کمال پولادی، تهران: مؤسسه مطبوعاتی ایران.

- Baron. A & Byrne.D (2000) *Social Psychology*, Mass achusetts, Allyn & Bacon.
- Beiderman.J (2006) “ is cigarette smoking a gateway to alcohol and illicit drug use disorder? *Biological Psychoatry*”, 59.(3), 258-264.
- Berkman.L, Glass.T, Brissette.J & Seeman.T (2000) “ Form Social integration to health: Durkheim The new millennium ”, *Social science & Medicine*, 51: 843-857.
- Bovin, J (2000) “ Preventing drug abuse in schools: social and competence enhancement approaches targeting individual- level etiological factors”, *Addictive Behaviors*, 25: 887-897.
- Comenga.D, Kedein.J, Roy.J (2006) *The Changing risk profile of the America adolescent smoker: implication for prevention rograms and tobacco interventions.*
- Griesbach.D, Ams.A& Cume. C (2003) “Adolescent smoking and family structure in Europe”. *Soc sic med*, 56(1): 41-52.
- KLeinke, C. (1998) *COPING WITH LIFE CHALLENGES*. London: Brooks / cole publishing’s company.
- Kother.L (2002) “Rational Dicision perspectives on alcohol by youth: Revising the Theory of planned behavior”, *Journal of addictive Behavior*, 23: 35-37.
- Katz, J (1998) *Seduction of Crime*, New York: Basic Books.
- Munch. R (1988) *Understanding Modernity*, London, Routledge.
- Peace.R (2001) “ Social Exclusion: A Concept in Need of Definition”, *Social Policy Journal of New Zealand Lssue*, 16: 17-36.
- Reed MB, Wang R, Shillington AM, Clapp JD, Lange JE. (2007) the relationship between alcohol use and cigarette
- Sigel.J (2001) “*Criminology, Theries, patterns and Typolgies-7th Edition*”, Belmont. CA: Wadsworth Thomson learning.
- Smoking in a sample of undergraduate college students. *Addict Bahav*, 32(3): 449-64.